





مجموعه قواعد و اصول
حول اجتماع امت

ابولقمان ایرانی

پژوهشکده اسلامی اجتماع



فهرست مطالب

۹	بخش اول: اصول اجتماع امت
۹	مقدمه
۱۱	اصل اول: مخازن امت اسلامی
۱۱	اصل دوم: امت مرحوم
۱۱	اصل سوم: ثوابت و متغیرات
۱۱	اصل چهارم: رابطه اجتماع و اسلام
۱۲	اصل پنجم: اختلافها و تفرقه‌ها
۱۲	اصل ششم: توازن امت
۱۳	اصل هفتم: منظومه‌ی ناجح
۱۳	اصل هشتم: شایستگان وراثت
۱۳	اصل نهم: نمایندگان و بزرگان
۱۳	اصل دهم: اسباب لازم برای تربیت
۱۴	اصل یازدهم: مستقبل مجهول
۱۵	اصل دوازدهم: دید و نظر استراتژی
۱۵	اصل سیزدهم: دید و نظر استراتژی
۱۶	اصل چهاردهم: اندازه‌گیری قدرت
۱۶	اصل پانزدهم: توازن بین اسباب شرعی و اسباب جهان هستی



- ۱۶ اصل شانزدهم: آغاز تحلیل برای حرکت‌های
- ۱۷ اصل هفدهم: همکاری با دولت‌ها و حرکت‌های
- ۱۷ اصل هجدهم: پناهگاه‌های اسلام
- ۱۸ اصل نوزدهم: معادله‌ی نصر
- ۱۸ اصل بیستم: رأس منحنی اجتماع
- ۱۹ اصل بیست و یکم: موانع ترسیم اهداف
- ۱۹ اصل بیست و دوم: شروط همکاری مردم با حرکت‌های اسلامی
- ۱۹ اصل بیست و سوم: حرکت حیات و دولت‌ها
- ۲۰ اصل بیست و چهارم: ذوب شدن حرکت‌های اسلامی
- ۲۰ اصل بیست و پنجم: استفاده از تجارب
- ۲۱ اصل بیست و ششم: استفاده از سیاست
- ۲۱ اصل بیست و هفتم: آماده شدن برای حمل مسئولیت
- ۲۱ اصل بیست و هشتم: مهندسین استراتژی
- ۲۲ اصل بیست و نهم: رنگ و بوی قدرت اجتماعی
- ۲۲ اصل سی‌ام: اصلاح امت یا تشکیل دولت
- ۲۲ اصل سی و یکم: تکمیل و تدریج
- ۲۳ اصل سی و دوم: مرجع اختلاف‌ها
- ۲۴ اصل سی و سوم: خارج شدن از قالب سازمانی (تنظیمی) جماعت‌ها



- ۲۵ اصل سی و چهارم: همکاری دولت و مجتمع
- ۲۵ اصل سی و پنجم: نمایندگان مردم
- ۲۶ اصل سی و ششم: آفات سرطانی
- ۲۶ اصل سی و هفتم: یاری رساندن به مظلومان
- ۲۷ اصل سی و هشتم: حرکت افکار
- ۲۷ اصل سی و نهم: تبعیت از صدر اول امت، در اسباب یا اهداف؟
- ۲۸ اصل چهلم: اجتماع مدیران
- ۲۸ اصل چهل و یکم: تشکیل دولت اسلامی
- ۲۹ اصل چهل و دوم: همراهی اخلاق با قانون و مؤسسات
- ۳۰ اصل چهل و سوم: رهبران دانش آموخته
- ۳۰ اصل چهل و چهارم: غیاب شورا
- ۳۲ اصل چهل و پنجم: میدان مانور برای سیاست و سیاسی
- ۳۳ اصل چهل و ششم: یکی از طرفها در راه مستقیم نیست
- ۳۳ اصل چهل و هفتم: پل استراتژی
- ۳۴ اصل چهل و هشتم: تعیین مرحله مطابق سنت کائنات
- ۳۵ اصل چهل و نهم: حاکمیت شرع یا حاکمیت متخصصان
- ۳۶ اصل پنجاهم: بالقوه و بالفعل
- ۳۶ اصل پنجاه و یکم: مرجعیت حرکت‌های اسلامی و هندسه تشکیل آینده



۳۸ اصل پنجاه و دوم: استفاده از نخبه‌ها در نظام حکم راشد و نظام حکم غیر راشد

۳۹ اصل پنجاه و سوم: نتیجه‌گیری اصول ارائه شده

۴۱ بخش دوم: گام‌های استراتژیک

۴۲ گام اول

۴۲ گام دوم

۴۳ گام سوم

۴۳ گام چهارم

۴۳ گام پنجم

۴۴ گام ششم

۴۴ گام هفتم

۴۵ گام هشتم

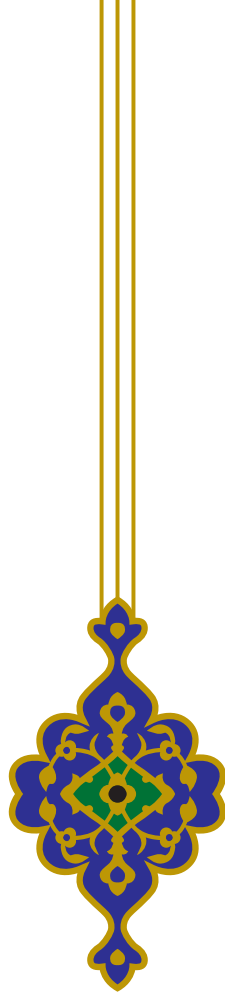
۴۵ گام نهم

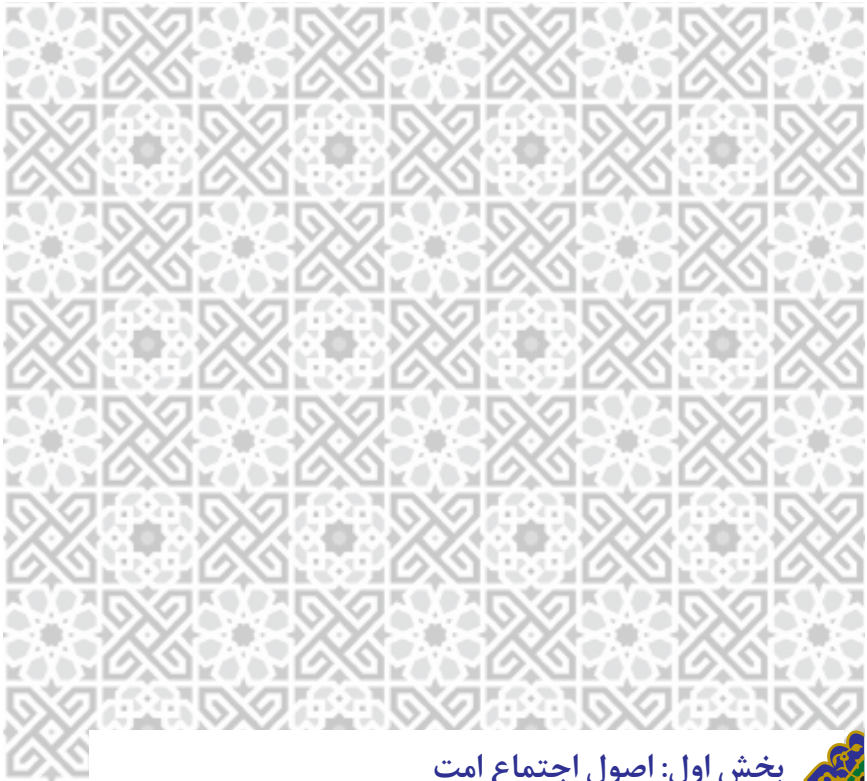
۴۶ گام دهم

۴۷ گام یازدهم

۴۷ گام دوازدهم

۴۸ بخش سوم: اینفوگرافیک





بخش اول: اصول اجتماع امت



مقدمه

زیباترین و کامل‌ترین حمدها و ستایش‌ها همراه با حُب و تعظیم، شایسته‌ی پروردگاری است که؛ پیامبری را برای امتی فرستاده است که اجتماعش هیچ‌گاه بر گمراهی نخواهد بود.

حاصل مشورت و کلام روشنفکران اسلامی در حال و گذشته، این است که؛ برای نجات امت اسلامی قدم اولی که شایسته است برداریم سعی در اجتماع امت با تمامی قدرت‌ها و توانایی‌هایش است. اما اجتماع امت هدف و آرمانی است که برای کوشش در تشکیل آن، شاید نتوان همه‌ی اسباب‌های قرون گذشته را به کار برد، و شرع خداوند متعال نیز مخالف تغییر و پیشرفت اسباب نیست.

چرا که از طریق وسیله است که به آرمان و اهداف خواهیم رسید؛ اما برای رسیدن به اهداف اگر وسیله‌اش نتواند نقش خود را به خوبی اجرا نماید، واجب است که آن را تغییر و یا پیشرفت داد، و اعتماد به وسیله‌ای شود که بهتر از سابق باشد.

همچنین در این راه نیاز است از قدرت‌های شاملی استفاده شود که ضمن اینکه بتواند حرکت‌های اسلامی را در خود ذوب نماید، همزمان توان مقابله با توطئه‌های جهانی را داشته باشد، تا بتواند در نهایت در خلال اجتماع امت، آینده را تشکیل دهد. هر چند که ایجاد چنین اجتماعی و رسیدن به چنین قدرت‌هایی شاید در نگاه اول سخت و یا پیچیده باشد، اما در صورتی که گام اول برداشته شود، آنگاه به یاری خداوند، روزنه‌های امید و روشنایی باز خواهد شد و می‌توانیم با متابعی آن خود را به هدف برسانیم. بر این اساس سعی نمودیم برخی ویژگی‌ها را برای ایجاد این گام و ذکر موانع موجود را، در خلال برخی اصول مطرح نماییم.

هر چند که در تهیه‌ی اصول، مخاطب ما شخص و یا جماعت و حرکت‌های خاصی نبوده است، اما خود را ناگذیر دیدیم برای تهیه‌ی گزارشی که حاصل تحقیق و تفحص و پژوهش بوده است، نتیجه را به هرگونه‌ای که حاصل شده باشد بیان نماییم، حتی اگر منجر به آزرده‌گی خاطر در برخی موارد گردد، اما در این راه ضمن اعتراف به برخی مفسده‌ها، رسیدن به مصلحت بزرگ‌تر را مدنظر قرار داده‌ایم. پس امیدواریم، رنجشی که از قرائت برای برخی خوانندگان حاصل می‌شود، سببی برای ناراحتی عمیق و تفرقه نباشد.



اصل اول: مخازن امت اسلامی



مخازن امت اسلامی هیچگاه خالی از خیر و برکت نخواهد بود و همیشه کسانی خواهند بود که بذرها را کاشت نمایند و یا کسانی برای نگهداری و یا کسانی برای برداشت. اما آن چیزی که امت نیاز دارد، بذرهایی است که محصولش اجتماع باشد. بر این اساس سعی خواهیم نمود در خلال شناسایی بذرهایی اجتماع، تجارب و فهم خود را در این مکان به مرحله‌ی مشاهده در بیاوریم، تا هدفمان محقق شود.

اصل دوم: امت مرحوم



امت اسلام امتی مرحوم است، چرا که اجتماعش بر امر الله سبحانه و تعالی و تبعیت از حق است، پس هر اجتماعی که تابع این امر باشد مرحوم است و هر کس تابع حق باشد شایسته‌ی رحمت.

اصل سوم: ثوابت و متغیرات



در هر اجتماع ممدوحی (پسندیده)، ثوابت فقط نصوص شرعی و اجماع امت خواهد بود، و متغیرات هر چیزی غیر از آن است. در انتخاب نوع متغیرات هدف تحقیق مصلحت، و تعدیل فقط توسط نظام شوری و عدل خواهد بود.

اصل چهارم: رابطه اجتماع و اسلام



اجتماع زائده‌ی فراغ نیست؛ بلکه نیاز به ازدواج طرفین با اصول مشترک دارد. هرگاه طرفه‌های مختلف برای وصول به اجتماع سعی در قرار دادن اصول مشترک بین همدیگر نمودند، به اندازه‌ی کمیت و کیفیت اصول مشترک اجتماعشان دوام خواهد داشت. هر چند تعداد اصول کمتر باشد رسیدن به هدف نزدیک‌تر و با دوام‌تر خواهد بود.



بر این اساس خداوند متعال برای بشریت خودش اصول را انتخاب کرده است تا برای پیدا کردن آن دچار گمراهی نشوند و این بزرگ‌ترین نعمت خداوند بر بشریت است. اسلام تنها اصلی است که خداوند متعال برای رسیدن به اجتماع آن را قرار داده است؛ پس همراه کسانی هستند که تعدد اصول را در این راه اختیار می‌کنند.

اجتماع مسلمانان با غیر مسلمانان به هر اندازه که منضبط باشد؛ اعتبارش موقت و تا زمان رسیدن به مصلحت می‌باشد چون هیچ اصل مشترکی در میانشان نیست.

اصل پنجم: اختلاف‌ها و تفرقه‌ها



مسلمانان مأمور هستند تا هر چیز که مانع اجتماعشان است را از سر راه خود بردارند (با جبر و یا اختیار). این موانع همان اختلاف‌ها و تفرقه‌های موجودی است که خود را داخل فرقه‌های مختلف پنهان نموده‌اند. پس کم کردن و از بین بردن فرقه‌ها و حامیان آن‌ها از بزرگ‌ترین عبادات است که خداوند متعال توفیق آن را فقط به بندگان خاص خود می‌دهد.

اصل ششم: توازن امت



اجتماع توازنی برای امت برقرار می‌کند که همیشه توانایی ادامه‌ی حیات و وصول به هدف برایش مهیا باشد.

- اگر راهی بر رویش بسته شود، راه دیگری را باز می‌نماید.
- اگر نسلی غایب می‌شود، نسل دیگری را ظاهر می‌نماید.
- اگر در میدانی شکست می‌خورد، در میدان و فرصت دیگری به پیروزی

می‌رسد.



چرا که اجتماع همیشه قابلیت پیشرفت، و وجود جایگزین را در ذخیره‌ی استراتژی خود دارد.

اصل هفتم: منظومه‌ی ناجح



تنها منظومه‌ای که توانایی‌های امت را در یک مسیر مورد خاص استفاده قرار نمی‌دهد و برای هر توانایی مسیر و اهداف جداگانه، گاهی با اختلاف زاویه ی ۱۸۰ درجه ترسیم می‌نماید، و در نهایت نوک پیکان هر کدام از توانایی‌ها را به یک صراط مشترک می‌برد منظومه‌ی اجتماع است. انتخاب هر منظومه‌ی دیگری غیر از آن نه تنها موفق نخواهد بود، بلکه اثر منفی نیز به جا خواهد گذاشت.

اصل هشتم: شایستگان وراثت



برای وراثت زمین، حکمت و مرجعیت فکری باید به مصدر اول معرفت (قرآن) وصل شوند. در غیر اینصورت نه حکیم در وراثت زمین نقش دارد و نه مفکر، تنها مکان برای به هم رسیدنشان، اجتماع است.

اصل نهم: نمایندگان و بزرگان



وجود بزرگان و ریش‌سفیدان و شرفای اقوام در هر مجتمعی از ضروریاتی است که کوتاهی و سهل‌انگاری در مورد آن سبب از بین رفتن اعتماد و دوری از اشخاص می‌گردد. بر این اساس اعتماد به این موضوع از ضروریاتی است که در اسلام نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند. حجم مشارکت آن‌ها در یک جماعت، در واقع منعکس و نشان دهنده‌ی نظام حاکم بر آن جماعت است.

اصل دهم: اسباب لازم برای تربیت



امت اسلام نیاز به مشروع و پروژه‌ی تکامل یافته‌ای دارد تا بتواند خود و فرزندان خویش را بر اساس یقین به آن، و عمل مطابق حکمت آن، و حرکت به روش آن تربیت نماید.

برای رسیدن به این هدف نیاز است که با داشتن فعالیت در تمامی فرصت‌ها، تعاون و تعامل و برنامه همسو داشته باشیم و بتوانیم همه‌ی توانایی‌های افراد و جماعات و بلکه امت را به کار گیریم تا بتوانیم به مقصود خویش برسیم.

تعاونی که همه‌ی موسسات، پایگاه‌ها، دانشگاه‌ها، مساجد، خانواده‌ها، روزنامه‌ها، تلوزیون، رادیو و... ایجاد نقش نمایند بدون آنکه برای طلوع یکی از آن‌ها نیاز به غروب دیگری و یا برای ساختن یکی از آن‌ها نیاز به خراب کردن دیگری باشد.

برنامه‌ای که در خلال بناء انسان مؤمن لایق، برای حمل مسئولیت بتواند با به کارگیری اسباب و استفاده از وقت، جسم اسلامی را در خلال راه و روش و ارزش‌های آن به میدانی بیاورد که انسان‌ها بتوانند اسلامی زنده و ملموس را حس نمایند.

اصل یازدهم: مستقبل مجهول



اگر جماعت‌ها با مشروع (پروژه) علمی و عملی اقدام به ساخت مستقبل خویش ننمایند، در آینده جاهای خالی بسیاری را درون خود خواهند دید و هنگامی که جاهای خالی موجود باشد کسانی که مصلحت خود را در آن می‌بینند اقدام به پر کردن این فراغ‌ها می‌کنند و آن‌ها آینده‌ی جماعت را بر اساس هوای نفس و مصالح مورد نظرشان می‌سازند.

و درنهایت ضمن اینکه جماعت را معلق به تصرفات شخصی نموده‌اند، برای نجات خویش دست به دامن عناصر بیگانه می‌شوند تا عمل‌های بی‌برنامه و متضارب را به نحوی از دیده‌ها دور کنند، غافل از اینکه همین عامل ضربه‌ی نهایی را بر توانایی‌های بشری و فرسایش طاقت‌هایش می‌زند.



اصل دوازدهم: دید و نظر استراتژی



مشکل ما این است که برای رسیدن به مطالب تاریخی صاحب دید و نظر استراتژی نیستیم. و در این راه اگر مطابق قوانین حرکت تاریخ و استفاده از اسباب حرکت نکنی و آن را تطبیق ندهی هر کسی که باشی و هر امتی که باشی (مسلمان یا کافر) از بین خواهی رفت.

اصل سیزدهم: دید و نظر استراتژی



تغییر و اصلاح نفس‌ها واجب است که قبل از بناء و تغییر مجتمعات و موسسات قرار می‌گیرد. پس این اساس تمامی تغییرات و اصلاحات می‌باشد، چرا که با وجود سستی و ضعف و ناتوانی پایه‌ها، امیدی به اجرای بناء متین نخواهد بود. اما برای اینکه بتوانیم حقیقت این دین و مشروع اسلامی را آشکار کنیم خطاب قرار دادن نفس به تنهایی کافی نیست، بلکه وقت آن است که به سمت دیگران خارج شویم و آن‌ها را مورد خطاب قرار دهیم و این همان پروژه انتشاری اسلام است. یعنی در کنار اصلاح و تغییر نفس و مجتمع، در هر زمان دیگری که توانایی انتشار داشته باشد به آن اقدام نماید. پروژه‌ای که بتواند نقش آماده‌سازی و اصلاح و اعداد انسان برای دین و دنیا با همدیگر را بر عهده بگیرد تا اینکه صاحبان آن بتوانند صالح باشند در نفس خویش و مصلح باشند برای دیگران.

آشکار است که نقشه‌های بزرگی وجود دارد برای اینکه تمام دیدهای ما متوجه داخل شود و از رسیدن به اهداف خارجی محروم بمانیم. پس نیاز است همزمان با تغییر نفس‌ها، اعماق خارجی را بگشائیم و پروژه اسلام را از حصار جعبه‌های سیاه خارج کنیم.

امت اسلام ناتوان از پرورش نسل‌ها و تأمین امن آینده نیست...



اصل چهاردهم: اندازه‌گیری قدرت



به هر اندازه که اسباب‌های حیات بشری پیشرفته‌تر شوند نیاز به پیشرفت دادن قدرت نیز خواهد بود، در غیر اینصورت در مفهوم قدرتی که خداوند متعال ما را به کسب آن امر کرده است دچار خطا شده‌ایم. مقدار متخصصین موجود در اجتماع یکی از نشانه‌های اندازه‌گیری قدرت موجود است.

اصل پانزدهم: توازن بین اسباب شرعی و اسباب جهان هستی



انتظار وقوع حوادث بدون استفاده از اسباب، استهزاء به احکام جهان هستی است. نصر و پیروزی بدون کسب اسباب کائنات به هیچ عنوان رخ نخواهد داد؛ حتی اگر تمامی اسباب‌های شرعی را به همراه داشته باشی. خداوند متعال ما را امر کرده است به اختیار تمام اسباب‌های نصر (اسباب کائنات و اسباب شرعی)، اما از رحمت خداوند بر مسلمانان است که هر اندازه در اسباب کائنات دچار ضعف شدند، می‌توانند کمبود را با افزایش اسباب شرعی جبران نمایند. از بزرگ‌ترین اسباب کائنات که خداوند در اختیار ما قرار داده است اجتماع است؛ چرا که اجتماع و فراوانی مسلمانان، سبب تضعیف روحیه‌ی دشمنان و ایجاد سستی و از دست رفتن هیبت دشمنان می‌شود.

اصل شانزدهم: آغاز تحلیل برای حرکت‌های



پیروزی حق و آمدنش، بر این متوقف نمی‌شود که باطل نابود گردد، و سپس به میدان بیاید. بلکه وجود حق و حرکت آن مقدمه‌ی از بین رفتن باطل است. - پس امت اسلام منتظر این نمی‌ماند که نظام‌های کفری از بین بروند تا آنگاه شروع به فعالیت نماید و منتظر این نیز نمی‌ماند که فقط با وجود دولت و حاکمان اسلامی فعالیت خویش را به نمایش در آورد.



بلکه امت اسلام با توجه به توانایی‌ها و قابلیت‌ها و قدرت‌های نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، علمی، فنی، اعلامی و... که در اختیار دارد و یا سعی در کسب آن‌ها دارد به حرکت مستمر خویش ادامه می‌دهد، حتی در صورتی که در حین راه یکی از این قدرت‌ها دچار ضعف و مریضی موقت شوند. و همزمان با این فعالیت مستمر، و با کوشش برای تهیه‌ی دولت اسلامی، سعی در تکمیل حلقه‌های قدرت خویش می‌نماید تا بتواند شرع خداوند متعال را بر تمام جهان ظاهر نماید. پس کسی که اصرار دارد بر نمایش چیز جدیدی که برای وصول به آن اسباب و شروط لازم را نمی‌داند، در واقع نسبت به سنت‌ها و قوانین تاریخی نادان است.

اصل هفدهم: همکاری با دولت‌ها و حرکت‌های



هر دولتی از دولت‌های جهان به هر اندازه در ایجاد فرصت و امکانات برای اقامه‌ی دین و احکام آن در زندگی خصوصی و عمومی ایجاد فرصت نمایند، به همان اندازه مجال همکاری با آن‌ها می‌توان ایجاد نمود. چرا که به نحوی جای خالی دولت اسلامی را در برنامه‌های زندگی مردمان پر کرده است.

دولت‌ها متشکل از برخی وسائل هستند که تفکیک این وسایل امکان پذیر است؛ برخی از وسائل می‌تواند دارای مصلحت باشد و برخی دارای مفسده، و این یعنی اینکه آن اسباب موجود در دولت‌ها که مصلحت شرعی از آن حاصل می‌شود، جزئی از حکومت اسلامی است. این موضوع در مقایسه‌ی کوچک‌تر برای جماعت‌ها و موسسه‌ها و حرکت‌های اسلامی نیز صدق می‌کند.

اصل هجدهم: پناهگاه‌های اسلام



حتی در غیاب دولت اسلامی، فرصت‌های بسیاری برای حرکت اسلامی و قدرت نمایی آن برای رسیدن به هدف وجود دارد، که با اجتماع امت می‌توان آن‌ها را محقق ساخت. هر چند که، حکم و دولت اسلامی اولین پناهگاه اسلام و مسلمانان



و سرزمینشان است که از آن‌ها جدا شده است، و به سبب عدم وجود آن بلاهای زیادی بر امت اسلام وارد شده است، اما در همان حال خداوند متعال این پناهگاه را نسبت به سایر پناهگاه‌های اسلام ضعیف‌تر قرار داده است تا در صورت منحرف شدن و یا غایب شدن آن در برهه‌ای از زمان، مسلمانان به پناهگاه‌های محکم‌تری که پشت سر آن قرار دارد چنگ بزنند.

- (نماز محکم‌ترین پناهگاه مسلمانان است)

و همزمان سعی در بازگشت و یا تصحیح مسیر دولت خویش نمایند، تا جای خالی خویش را پر نماید و بار دیگر جان تازه‌ای به پیکره‌ی امت اسلام بدمد.

اصل نوزدهم: معادله‌ی نصر



رسیدن به پیروزی معادله‌ی پیچیده‌ای نیست. هر گاه نقطه‌ی شروع و اهداف نهایی یکی باشد و هرگاه اعتماد و تعاون عمیق، رفیق صدق و علم باشد؛ آنگاه نتایج یکی خواهد بود.

اصل بیستم: رأس منحنی اجتماع



جهان در طول تاریخ همیشه در حال نزاع بوده است، و هیچ نزاعی بدون به کارگیری قدرت مناسب قابل اداره نخواهد بود.

- نزاع نظامی نیاز به قدرت نظامی

- نزاع اقتصادی نیاز به قدرت اقتصادی

- نزاع سیاسی نیاز به قدرت سیاسی دارد

و به همین شیوه نزاع موجود، با قدرت مناسب مقابله می‌شود. اما تاریخ ثابت کرده است که هیچ قدرتی بدون همکاری قدرت نظامی بقاء نخواهد داشت. پس نیاز به اجتماعی است که همه‌ی قدرت‌ها را در حالی با خود حمل نماید که قدرت نظامی در رأس منحنی باشد.



اصل بیست و یکم: موانع ترسیم اهداف



رهبران حرکت‌های اسلامی، بیشتر از اینکه مشغول طراحی و برنامه‌ریزی برای آینده باشند، توانایی‌های خود را صرف حل مشکلاتی می‌کنند که هر روز در اطرافشان در حال تکرار است.

به هر اندازه رهبران و بخش‌های مختلف جماعت‌ها توانایی خود را صرف مشکلات ناگهانی و یا تکراری بنمایند، به همان اندازه از توانایی‌های آنان برای ترسیم اهداف بلند مدت کاسته می‌شود.

اصل بیست و دوم: شروط همکاری مردم با حرکت‌های اسلامی



دوری کردن جماعت‌های اسلامی از اجتماع سبب می‌شود که همیشه فاصله‌ای بین آن‌ها و مردم وجود داشته باشد. و این فاصله سبب می‌شود که نتوانند اهداف خویش را برای مردم ترسیم نمایند، و مشکلات آن‌ها را برطرف نمایند. چرا که مردم در صورتی با حرکات و جماعات همکاری می‌نمایند که اهداف آن‌ها را بدانند و همچنین کلید حل مشاغل خود را نزد آنان ببینند.

اصل بیست و سوم: حرکت حیات و دولت‌ها



برخی رهبران جماعت‌ها و حرکت‌ها، منتظر این هستند که دولت‌ها متوقف شوند تا آنکه آن‌ها ظاهر شوند و برنامه‌های خود را پیاده کنند، و این یعنی عدم فهم قوانین حرکت حیات و تاریخ.

چرا که دولت‌ها در کنار مردمانشان متشکل از توانایی‌ها و قدرت‌هایی هستند که سعی دارند با برقرار کردن ارتباط پیوسته بین آن‌ها و همچنین با استفاده از همکاری‌های بین‌المللی به پیش بروند.

اصل بیست و چهارم: ذوب شدن حرکت‌های اسلامی



با توجه به تکنولوژی‌های موجود در نظام جهانی و با توجه به سیاست‌های اداری مردمان و ثروت‌ها که روز به روز از سوی کشورها در حال پیشرفت و حرکت سریع است و با توجه به برنامه‌ریزی دولت‌ها بر اینکه در دنیای امروز به سبب تضاد مصالح و سنت‌های تدافع نباید اهداف مرحله‌ای را برای بیشتر از ۵ سال طراحی نمود، می‌خواهیم این سوال را مطرح نمائیم که:

حرکت‌ها و جماعت‌ها همراه رهبران و متخصصینشان، این پیشرفت‌ها و تغییرات حاکم بر دنیای امروز را در کجای برنامه‌های خویش قرار داده‌اند؟ حقیقت این است که بسیاری از این حرکت‌ها یا غرق در دنیای واقع هستند و یا اینکه در خوشبینانه‌ترین حالت فهم واقع را نموده‌اند اما توانایی اجرای برنامه‌های خویش را ندارند. پس نیاز است که به این فهم نیز برسند که تنها از طریق ذوب شدن در اجتماع امت است که می‌توانند به خواسته‌های خویش برسند. و این امری است که در صورت عدم وارد شدن آن‌ها با اختیار، سرانجام تقدیر خداوند متعال آن‌ها را در اجتماع امت داخل می‌نماید، و یا اینکه سنت استبدال را مشاهده خواهند نمود.

اصل بیست و پنجم: استفاده از تجارب



بیشتر حرکت‌های اسلامی به شیوه‌ای واقع را می‌نگرند که دوست دارند اینگونه باشد. عدم وجود تحلیل موضوعی برای واقع، چشم آن‌ها را بر روی آینده خواهد بست. حرکت‌ها و جماعت‌های اسلامی دوست دارند که دیگران از تجربه‌های آن‌ها استفاده کنند، اما این ضروری‌تر است که ابتدا خودشان از تجاربشان استفاده کنند. عبور از مرحله‌ی تجارب و خطاهای حرکت‌های اسلامی باید نهایتش وصل شود به اجتماع امت، تا بتوانند ادعای این را داشته باشند که؛ دارای تجربه هستند.





اصل بیست و ششم: استفاده از سیاست

همانگونه که لازم است سیاست را جزئی از اسلام بدانیم و از آن استفاده کنیم، لازم است که به شکل صددرصد نیز داخل سیاست نشویم؛ چرا که سیاست به اندازه‌ی جذاب بودنش، سرطانی است.

سیاست، انسان‌ها را داخل نزاعی می‌کند که برای موفقیت در آن مجبور می‌شوند برایش اقدام به جمع‌آوری و استفاده از قدرت‌هایی بکنند که نه تنها ممکن است آن‌ها را از ارزش‌های اسلامی دور نماید، بلکه ممکن است شکست سنگینی نیز بر آن‌ها تحمیل نماید.



اصل بیست و هفتم: آماده شدن برای حمل مسئولیت

برای همگان آشکار است که دولت‌های جهان اجازه نمی‌دهند به اجتماع امت، و این عدم اجازه یعنی اینکه اجتماع امت رو به نصرت حرکت می‌کند. پس نیاز است که فرزندان اسلامی با تعلیم و استفاده از تجربه‌ها و مشارکت، خود را مرحله به مرحله، به اجتماع امت نزدیک‌تر نمایند و خود را برای حمل مسئولیت آماده نمایند.



اصل بیست و هشتم: مهندسیین استراتژی

قدرت‌های نظامی، سیاسی، اقتصادی و... که نصر و پیروزی را برای اجتماع به همراه می‌آورد یک چارچوب و محدوده‌ی جامد از پیش ساخته نیستند، بلکه سندهای سرنوشت‌سازی هستند که بر اساس زمان و مکان‌های مختلف و متعدد، و بر اساس متغیرات سیاسی، نظامی، اقتصادی، جغرافیایی، تکنولوژی، اجتماعی و... توسط مهندسیین استراتژی برحسب واقع موجود به کار برده می‌شوند، تا در نهایت با یاری و توفیق خداوند متعال اجتماع امت را به مقصدش برسانند.



اصل بیست و نهم: رنگ و بوی قدرت اجتماعی



تفاوت بین قدرت اجتماعی موجود در اجتماع امت اسلام، و قدرت اجتماعی موجود نزد دولت‌های امروزه در این است که؛ قدرت اجتماعی در دولت‌های کنونی متعلق است به افراد، و نظام حاکم و همپیمانانشان رنگ و بویی از آن نبرده‌اند، اما در اجتماع امت اسلامی این قدرت از خانواده و اعضایش شروع به حرکت می‌کند و تا زمان رسیدن به اعماق قلب و افکار مسئولین و تصمیماتشان متوقف نمی‌شود.

اصل سی‌ام: اصلاح امت یا تشکیل دولت



در اصلاح امت تنها کسانی که مشارکت می‌کنند اسلامی‌ها هستند، اما در رسیدن به دولت و یا تشکیل آن، انسان‌های مختلفی مشارکت دارند و ناچار هستی که با همه تعاون داشته باشی. (اهل هوی و هوس، مشتاقان قدرت و سلطنت، منافق، خائن، غر بزده و ...)

پس کسانی که تحمل و صبر در روبرو شدن با این انسان‌ها را ندارند، خود را مشغول اصلاح امت و پُر کردن سنگ‌های دیگر نمایند.

اصل سی و یکم: تکمیل و تدریج



علاقه و ارتباط بین رهبران سیاسی و نظامی و سربازان، یا سایر قدرت‌های موجود در اجتماع امت اسلامی به هیچ عنوان قابل تفکیک نیست. و برای تکمیل شدن و رسیدن به مطلوب، همه‌ی آن‌ها لازم و ملزوم یکدیگرند.

وجود خلل در هر کدام از این عوامل، می‌تواند سبب شکست و یا عقب ماندگی امت اسلام شود. اگر نگاهی به تاریخ بیندازیم متوجه خواهیم شد که، همیشه عدم مشارکت نظامی و جهاد مسلمانان سبب شکست امت اسلام نشده است. بلکه عدم وجود استراتژی‌های سیاسی و یا عدم وجود استراتژی و افکار نظامی، نه تنها



سرزمین‌های اسلامی را مورد طمع و شکار دشمنان قرار داده است، بلکه اعتماد مسلمانان را نیز سلب نموده است، تا در بخشش مال و جان خویش با احتیاط بیشتری عمل نمایند.

بر این اساس نیاز ضروری است که ضمن زنده کردن روحیه‌ی جهاد در امت، اسلوب‌های سیاسی برای دور کردن امت از جنگ، و یا پیروزی در مقابل دشمنان بدون جنگ مستقیم، و یا مشارکت بدون قتال، تبدیل به ارزش‌های سیاسی شود. و با این شیوه‌ی تدریجی و تکمیلی است که اجتماع امت اسلامی می‌تواند خود را آماده ولایت نماید برای حمل امانتی که آسمان و زمین و کوه‌ها از حمل آن سر باز زده‌اند.

اصل سی و دوم: مرجع اختلافها



خلاف بین انسان‌ها موضوعی واقعی و طبیعی است که از بین نمی‌رود، و سعی و کوشش برای از بین بردن آن بدون نتیجه خواهد بود. بر این اساس شرع خداوند متعال نیز آن را موجود دانسته است، و وجود آن را نفی نکرده است، اما باوجود این نیز، آن را به حال خود رها نکرده است.

دین اسلام برخی خلاف‌ها را ممنوع دانسته است، و برخی خلاف‌ها را ضمن رعایت حد و حدود جایز دانسته است.

مهم‌ترین اختلاف‌هایی که قرآن آن‌ها را ممنوع کرده است در سه چیز است:

۱. اعتقادات

۲. مرجعیت

۳. تفرقه

هر چند که نوع سوم خطرش از نوع دوم و اول کمتر است، اما در صورت بزرگ شدن دایره، نوع دوم و در نهایت نوع اول را نیز با خود به دنبال می‌کشد.

پس می‌توان گفت واجب کنونی امت، اجتماعی است که تمام دروازه‌های ورود دشمنان را به رویشان خواهد بست، و در داخل این اجتماع ضمن رعایت حد و حدود و ادب اختلاف، تعاون لازم برای عبور به دار سعادت را اختیار خواهند نمود. ضمن این اجتماع است که اختلاف‌ها را میتوان دارای منفعت دانست و از آن‌ها بهره حاصل نمود، اما با غیاب اجتماع و با وجود فراوانی احزاب و تنظیمات و حرکت‌ها و موسسات هیچ منفعتی را نمی‌توان از خلاف‌ها حاصل نمود و یا اینکه ضررهای حاصل بیشتر از منفعت‌ها خواهد بود.

اصل سی و سوم: خارج شدن از قالب سازمانی (تنظیمی) جماعت‌ها



در عصری که علم و تکنولوژی و اطلاعات دولت‌ها به بالاترین درجه‌ی خود رسیده است، بسیار سادگی است که جماعت‌ها و حرکت‌ها خود را در زیرتشکیلات مخفی قرار دهند، و یا اینکه گمان و تصور این را داشته باشند هیچ‌کسی متوجه فعالیت آن‌ها در زمینه‌های مختلف سیاسی و نظامی و اقتصادی و ... نمی‌شود. و حتی اگر توانایی این کار را نیز داشته باشند، پس با این نوع فعالیت، مخالف جهانی بودن پروژه‌ی اسلامی حرکت نموده‌اند. مشروعی و پروژه‌ای که اسلام آماده است تا خود را به وسیله‌ی آن به تمام جهان برساند. حال وقت این است که جماعت‌ها به جای اینکه خود را غرق در سازمان‌های سرّی و نوشتن تاریخ و سابقه‌ی خویش نمایند، فضای بزرگتری را برای خود و امت باز نمایند، و اقدام به معرفی افکار و اهداف و استراتژی‌های خود برای نجات امت نمایند. مقدار موفقیت آن‌ها در طرح افکار و ایده و استراتژی‌های نجات امت، گویای صدق و سابقه و توانمندی آن‌ها خواهد بود. مردم پروژه‌های مجهولی را که از فراغ آمده است را اختیار نمی‌نمایند، بلکه مشاریکی را حمایت می‌نمایند که زائیده‌ی دردها و آرزوهایشان باشد و با همراهی و استفاده از آن‌ها ترسیم شده باشد، چرا که میزان همکاری مردم با حرکت‌ها منوط به مقدار همکاری حرکت‌ها با آن‌ها است.



و به هر اندازه حرکت‌ها مردم را مورد خطاب قرار دهند، مردم نیز آن‌ها را به همان اندازه مورد خطاب قرار خواهند داد.

چگونه است که جماعت‌ها با تاریخ‌های بلند مدتی که با خود حمل می‌کنند تا کنون نتوانسته‌اند نوشته‌های خود را در بین خانواده‌ها و دانشگاه‌ها برسانند و در راه تکمیل آن با تمام اقشار امت همکاری نمایند! مردم برای حل مشکلاتشان چگونه با حرکت‌هایی همکاری و همراهی نمایند، که خودشان غرق در مشکلات داخلی و اختلافاتی هستند که هیچ ربطی به مستقبل و آینده امت ندارد! این‌ها مواردی هستند که مخاطب آن فقط رهبران حرکت‌های اسلامی نیستند، بلکه تمامی کسانی هستند که در این حرکت‌ها مشارکت دارند، و سعی در برنامه‌ریزی برای آینده امت و تشکیل اجتماع امت را مشروط کرده‌اند به جماعت و یا حزب و سازمانی که در آن هستند.

اصل سی و چهارم: همکاری دولت و مجتمع



قرار نیست که مجتمع فقط اجراء کننده‌ی اوامر دولت باشد و تمام برنامه‌ریزی‌ها و تدبیر امور و قدرت‌ها مخصوص دولت باشد. در این صورت دولت به حساب مجتمع به تمکین رسیده است و مجتمع به حاشیه و نابودی و تخلف فرستاده شده است. آن‌که امنیت و رشد را تامین می‌کند هم دولت است و هم مجتمع؛ اما باید همیشه مجتمع را اصل و بقاء و منبع دانست و دولت را بخشی از آن.

اصل سی و پنجم: نمایندگان مردم



همانگونه که حق امت اسلامی است که رئیس دولت را به عنوان نماینده و وکیل خود مطرح نماید، به همان شیوه نیز حق دارد متابعه و مراقبت از اعمال و اقوال و کیلش را داشته باشد، تا در حفظ امانتی که به وی واگذار شده است به شیوه‌ی شایسته کوشش نماید؛ و در صورت انحراف و ظلم و عدم شایستگی

برای حمل امانت، می‌تواند او را اصلاح، نصیحت و یا برکنار نماید.
در مقایسه‌ی کوچک‌تر می‌توانیم این موضوع را برای حرکت‌های اسلامی نیز صادق بدانیم. هر حرکت و جماعتی که می‌خواهد نماینده و وکیل مردمان باشد، باید به اندازه‌ی مساحت و حدود مشارکت، خود را آماده نماید برای ارائه‌ی گزارش و متابعه و بازرسی و ...

اصل سی و ششم: آفات سرطانی



جسم حرکت‌های اسلامی مانند جسم انسان دارای آفاتی است که گاهی اگر علاج نشوند رشد خواهند نمود و تبدیل به سرطان می‌شوند. از آفات حرکت‌های اسلامی مقدس قرار دادن برخی فرماندهان است، که در صورت عدم علاج تبدیل به عقلیت و مفکری خواهند شد که نه تنها شایستگی آن را ندارند، بلکه حرکت جسم را نیز دچار اختلال خواهند نمود. غلبه پیدا کردن و تحاکم این فرماندهان نه تنها سبب می‌شود که توانایی‌های بشری جماعت روز به روز کاسته و یا ضعیف شود، بلکه سبب می‌شود تا اصحاب افکار تمایلی با همکاری با این حرکت‌ها را نداشته باشند. پس نیاز است که حرکت‌ها جهت درمان این نوع از بیماری، هر چه زودتر اقدام به علاج نمایند.

اصل سی و هفتم: یاری رساندن به مظلومان



خداشده‌دار شدن چهره‌ی اسلام توسط برخی حرکت‌های اسلامی، و برخورد فیزیکی و اذیت و آزار حرکت‌ها توسط حکومت‌ها، سبب شده است که مردم از نزدیک شدن به حرکت‌های اسلامی خودداری کنند. اگر بتوان گزینه‌ی اول را علاج نمود، گزینه‌ی دوم به سود حرکت‌های اسلامی خواهد بود، چرا که مردم اگر مشاهده نمایند که اصحاب حق مورد اذیت و آزار قرار می‌گیرند، بدون شک با آن‌ها ابراز همدردی خواهند نمود و سعی در دور کردن ظالم خواهند کرد.



اصل سی و هشتم: حرکت افکار



مفکرین و روشنفکران اسلامی باید همیشه در مقدمه و در رأس فرماندهی حرکت‌های اسلامی باشند، تا ضمن تایید و تحمل مسئولیت، با آن نیز حرکت نمایند. حرکت‌های اسلامی به جای اینکه این مفکرین را بیرون برانند و یا سبب بیرون رفتن آن‌ها شوند، باید هر چه زودتر اقدام به ایجاد فضای کاری مناسب و دادن اعتبار به آن‌ها نمایند. چرا که امت اسلام در شرایط کنونی همانگونه که نیاز به فکر حرکت‌ها دارد، نیاز به حرکت افکار نیز دارد.

اصل سی و نهم: تبعیت از صدر اول امت، در اسباب یا اهداف؟



تنها راه نجات و پیروزی این امت بازگشت به آن چیزی است که صدر اول این امت بر آن بوده‌اند، اما آیا شرع ما را امر کرده است که در استفاده از وسایل مانند آنها باشیم؟

وسائل قابل تغییر و پیشرفت هستند، پس هر وسیله‌ای به دست آمد و مشخص شد که بهتر از وسایل گذشته است، واجب است که بر آن اعتماد شود و از آن استفاده نمود. همانگونه که برای ارسال پیغام در قرن‌های گذشته از حیوانات و پرندگان استفاده می‌گشت، اما امروزه از فن‌آوری و ارتباطات و تکنولوژی قوی‌تر، سریع‌تر و امن‌تری استفاده می‌گردد. پس نیاز است که حرکت‌های اسلامی تفاوت بین مقاصد به عنوان ثوابت، و اسباب به عنوان متغیرات قائل شوند، تا از ترکیب عقیده و فهم صدر اول امت با افکار و وسائل جدید، راه‌های روشنی و سعادت را برای امت باز نمایند.



اصل چهلم: اجتماع مدیران



تفاوت بسیاری وجود دارد بین اداره زمین و اداره انسان‌ها. زمین با تمام موارد و امکاناتی که دارد نیاز به مدیران خاص خود را دارد، و اداره انسان‌ها نیز نیاز به مدیران خاص دارد. همانگونه که اجازه داده نمی‌شود به یک مهندس ساختمان به عنوان یک مدیر برای اداره زمین، در اداره انسان‌ها و توجیحات دینی و روحی آن‌ها دخالت نماید، به همان شیوه اجازه داده نمی‌شود که یک عالم دینی در طراحی سازه و معماری یک ساختمان عظیم دخالت نماید. در اجتماع و جماعت انسان‌ها این اداره‌ها و مدیران باید به هم برسند و ضمن تکامل و هماهنگی و تعاون اقدام نمایند به اداره مشترک، اداره‌ای که نه از زمین و موارد آن غافل باشد و نه از انسان‌ها و خواسته‌ها و تمایلات و ...

اما مشکل اینجاست که این مدیران حاضر نیستند که هر کدام فقط نقش خود را ایفا نمایند، بلکه به تنهایی خود را وارد میدانی کرده‌اند که فساد آن بر دوش امت اسلامی وارد می‌شود.

اصل چهلم و یکم: تشکیل دولت اسلامی



ایجاد دولتی که بتواند نماینده‌ی حکم و نظام اسلامی باشد به هیچ‌عنوان با روش‌های امروزی امکان‌پذیر نخواهد بود. چرا که قدرت‌ها و نظام‌های جاهلیت و فاسد بین‌المللی به نحوی بر امور سیطره دارند که مجال برای نظام حکم اسلامی وجود ندارد. و اگر هم به برخی دولت‌ها (مانند عربستان سعودی) اجازه‌هایی داده می‌شود به خاطر این است که آن‌ها فقط یک اسلام ظاهری را حمل می‌کنند.

درواقع نظام اسلامی به هیچ‌عنوان با نظام جاهلیت همکاری نخواهند داشت و یکی نخواهند شد؛ آن چیزی که لازم است از بین بردن کامل جاهلیت است تا بتوان نظام کامل اسلامی را پیاده نمود.



برای رسیدن به این مقصود تنها عاملی که می‌توان بر آن بنا نمود و آن را اساس قرارداد، بنا عقیده‌ی صحیح اسلامی است. و بعد از آن همه‌چیز در مجال اجتهادات قابل اجرا خواهد بود. اما بدون بنا عقیده مشترک بین مردمان، هر حرکتی عقیم و نالایق خواهد بود.

اصل چهل و دوم: همراهی اخلاق با قانون و مؤسسات



برخی از دعوتگران و رهبران حرکت‌های اسلامی تنها راه تشکیل و همچنین استقرار یک دولت اسلامی را التزام به اخلاق اسلامی و ارزش‌های آن می‌دانند. و برخی از فرهنگیان و روشنفکران و دعوتگران دیگر؛ تنها راه را وجود قوانین و عمل مؤسساتی مطابق معیارهای اسلامی می‌دانند. اما در واقع هر دوی این‌ها دچار خطا شده‌اند. بلکه پیامبر علیه الصلاة والسلام دولت مدینه را در حالی بنا نمودند و در حالی اصحاب و یاران وی ادامه‌ی راه را طی نمودند که از تمام ارزش‌های اخلاقی و قانونی و مؤسساتی استفاده نموده‌اند.

همان‌گونه که برخی از یاران، باتقوا و اخلاق بالا، خودشان از شراب و مست‌کننده‌ها می‌پرسند تا حکم آن را بدانند و مطابق آن حکم عمل نمایند؛ به همان شیوه نیز قانونی برای اجرای حد در نظر گرفته می‌شود تا شراب‌خوار مورد تنبیه و شکنجه و تربیت قرار بگیرد. و به همان شیوه نیز دستگاه و موسسه‌ی قضایی در نظر گرفته شده است تا پیگیر این امور باشد.

در تمام برنامه‌ها و استراتژی‌های غربی و غیر اسلامی فقط مراقبت و پیگیری ظاهری وجود دارد، اما در نظام و برنامه‌های اسلام هم مراقبت ظاهری وجود دارد و هم مراقبت روحی و داخلی به نام ایمان و تقوا.

اصل چهل و سوم: رهبران دانش آموخته



در هر کوچه و خیابانی که قرار است یک مغازه‌ی سوپرمارکت دایر شود، و یا یک آموزشگاه رانندگی تأسیس شود، و یا یک گواهینامه‌ی مهارت فنی و حرفه‌ای کسب شود، نیاز است به اینکه داوطلبان برخی مواد درسی و آموزش‌های لازم را کسب نمایند و پس از گذراندن مراحل تعلیمی و توجیهات لازم، مدرک موردنظر و اجازه‌ی فعالیت به آن‌ها واگذار می‌شود.

در درجه‌ی بالاتر و اولی‌تر نیز برای اداره‌ی یک دولت و یا یک حزب و یا یک جماعت و جنبش، نیاز است که فرماندهان و رهبران مهارت‌های لازم را در زمینه‌ی اداره و برنامه‌ریزی و... کسب نمایند. پس شایسته است حرکت‌های اسلامی این را به یک فرهنگ و ارزش تبدیل نمایند که؛ تمام رهبران در زمینه‌های مربوط به مسئولیتشان طلب علم نمایند. همان‌گونه که؛ به یک بقال اجازه داده نمی‌شود که عملیات جراحی قلب انجام دهد. امت اسلامی نیز حاضر نخواهد بود که رهبری خود را به افراد غیرمتخصص تقدیم نماید.

اصل چهل و چهارم: غیاب شورا



آیا رهبران اسلامی ملزم هستند به شورا و یا اینکه شورا فقط یک معلم است و درنهایت رهبر می‌تواند آن چیزی را که صلاح می‌داند اختیار نماید؟
برخی از علمای اسلام بر این باور هستند که شورا برای رهبران ملزم و آن چیزی که به تصمیم شورا درمی‌آید، رهبر نیز باید به آن پایبند باشد و آن را عملی نماید. برخی دیگر از علما بر این باور هستند که شورا معلم است، و رهبر فقط به مشورت اهل شورا گوش فرا می‌دهد و درنهایت آن چیزی را که خودش صلاح می‌داند انجام می‌دهد. و هر دودسته نیز برای کلام خود دلایل شرعی دارند.



ما در اینجا قصد نداریم که وارد جزئیات شویم و یا سراغ اختلاف اقوال علماء برویم. بلکه قصد داریم به برخی نکات اشاره نماییم که برای انتخاب یکی از اقوال ما را بیشتر یاری می‌رسانند.

- در دنیای پر از فساد و توطئه‌های امروزه، و باوجود ضعف شرعی و دنیوی در بین تمام رهبران حرکت‌های اسلامی، هیچ رهبری نمی‌تواند به تمام مسائل پیرامون خود سیطره داشت باشد. بر این اساس دولت‌ها از تعداد بسیار زیادی از مؤسسات مشاوره‌ای و شخصیت‌های استراتژی استفاده می‌نمایند.

- معلم بودن شورا در نظر بسیاری از رهبران حرکت‌های اسلامی سببی شده است برای ترک فریضه‌ی شورا.

- شورا فریضه‌ای است که در بین امت اسلامی غایب شده است، و به این شیوه هیچ دولت و حرکتی نمی‌تواند ادعای تحکیم شریعت نماید. چراکه یکی از اصول تحکیم شریعت، شورا است.

- امور عام مسلمانان ترجیح داده می‌شود بر عموم شخصی و خاص. درجایی که مصلحت امت در میان است هیچ‌کس نمی‌تواند به‌تنهایی بار مسئولیت یک امت را بر دوش بکشد.

پس امکان این وجود دارد که در احوال شخصی مانند ازدواج و طلاق و تجارت و ... شورا معلم باشد و شخص درنهایت خودش تصمیم‌گیرنده باشد، اما در مصلحت عام مسلمانان معنایی برای شورا نمی‌ماند اگر معلم باشد.

- امروزه در تمام دولت‌ها قوانینی وجود دارد که میزان صلاحیت رهبران و رئیس‌جمهورها و میزان حق تصرف را مشخص می‌نماید. پس حرکت‌های اسلامی نیز می‌توانند قوانینی را وضع نمایند که در آن میزان صلاحیت رهبران خود را ذکر نموده باشند. به‌عنوان مثال؛ در برخی امور مانند عهدنامه و صلح‌نامه ملزم به شورا باشد و در برخی امور مانند اداره و بازرسی، معلم باشد.



اصل چهل و پنجم: میدان مانور برای سیاست و سیاسی



اگر بخواهیم مترادف کلمه‌ی سیاسی و یا سیاست را بیابیم، معمولاً با این مصطلحات برخورد خواهیم نمود.

گاهی سیاست به معنای اداره می‌آید، گاهی به معنای استراتژی می‌آید و گاهی به معنای دسیسه می‌آید. اگر بخواهیم فقط یکی از مترادف‌ها را به عنوان معنای سیاست در نظر بگیریم و با آن تعامل داشته باشیم قطعاً دچار اشتباه شده‌ایم؛ و اگر بخواهیم از تمام مترادف‌ها و هم‌معناها استفاده نماییم شاید بتوان تا حدودی تعامل مناسب‌تری با اصطلاح سیاست و کاربرد آن داشته باشیم.

اما اگر بخواهیم فهم عمیق از سیاست و سیاسی داشته باشیم باید موضوعات دیگری را نیز در مقابل خود ترسیم نماییم. مانند اینکه؛ وسعت پیدا کردن سیاست و میدان آن بر اساس زمان و مکان تغییر می‌کند. حال این سؤال پیش می‌آید؛ آیا اساساً میدان‌ها و واقعه‌هایی وجود دارند که برای آن نیاز به سیاست وجود نداشته باشد؟ برای پاسخ به این سؤال شاید لازم باشد سال‌های طولانی غرق مطالعه‌ی کتاب‌های مدارس و تیارهای فکری گوناگون و فراوان شویم، تا به پاسخ مطلوب برسیم.

اما آیا راه کوتاه‌تری برای رسیدن به جواب دیده نمی‌شود؟ قطعاً راه کوتاه‌تری نیز وجود دارد. اسلام همیشه کوتاه‌ترین راه‌ها و درعین حال با استقامت‌ترین راه‌ها را به نمایش درمی‌آورد. آنجا که پای ثوابت دین به میدان می‌آید (در هر زمان و مکانی)، مجال هیچ اداره و استراتژی و سیاستی وجود ندارد. چراکه هر سیاست و برنامه و دستور و قانونی که لازم باشد از آسمان نازل شده است و همگان باید در مقابل این اداره‌ی آسمانی سر تسلیم فرود آورند و مطابق آن پیش بروند.



اصل چهل و ششم: یکی از طرف‌ها در راه مستقیم نیست



تمام آیاتی که در قرآن آمده است و از اجتماع و ضرورت آن صحبت نموده است و یا به آن اشاره نموده است، بیانگر این هستند که، تا زمانی که طرف‌های مختلف بر راه مستقیم باشند تفرقه وجود نخواهد داشت؛ و اینکه اگر تفرقه‌ای به وجود آمد و یا اینکه اگر بین طرف‌های مختلف امکان اجتماع و وحدت وجود نداشته باشد، حتماً یکی از طرف‌ها بر راه مستقیم وجود ندارند.

این از قوانین و سننی است که همه‌ی امت اسلامی نیاز به فهم و تعامل صحیح با آن دارد. در روایت‌ها نیز آمده است؛ و از آنجاکه همیشه طایفه‌ای وجود دارند که بر راه مستقیم باشند. لازم و واجب تمام علماء و رهبران و حرکتهای اسلامی است که در پی آن کوشش نمایند و خود را به آن کاروان و راهش برسانند.

اصل چهل و هفتم: پل استراتژی



تا زمانی که دنیای اسلام، عقیده و برنامه‌های خود را از مصادر اصلی دریافت می‌نمود امت اسلامی مشکلات بسیار کمتری را مشاهده‌گر بود. اما بافاصله افتادن میان مردمان و مصادر اصلی ناهنجاری‌های امت اسلام ضربات بزرگی را بر پیکره‌ی این امت وارد نمود.

از مهم‌ترین اسباب رسیدن به مصادر اسلامی، لغت عربی می‌باشد. چراکه مردمان را مستقیماً ربط می‌دهد به مراجع و مصادری که آن‌ها را به‌سوی رستگاری راهنمایی می‌نماید. در واقع لغت عربی پل استراتژی بین ملت‌ها و اقوام با اسلام بوده است. اما هنگامی که ملت‌ها فرزندان خود را از آن دور قرار دادند، این پل استراتژی را از بین بردند. شاید لازم باشد تعلیم لغت عربی را از اولین قدم‌های انقلاب تعلیمی قرارداد.



اصل چهل و هشتم: تعیین مرحله مطابق سنت کائنات



خداوند متعال هرگاه اراده نماید تغییری را در زندگی انسان‌ها ایجاد نماید در یک‌شب و روز هر آن چیزی را که اراده نماید تغییر می‌دهد. اما قوانینی را به‌عنوان سنت کائنات و جهان هستی وضع نموده است تا عدالت وی شامل حال تمام انسان‌ها شود. قوانین و اسبابی که استفاده از آن‌ها سبب می‌شود انسان‌ها و یا دولت‌ها با بکار بردن آن‌ها، در اطراف خود تغییر ایجاد نمایند.

استخلاف برای کافر و مسلمان در نظر گرفته شده است، هرکسی که بتواند اسباب لازم را در این راه کسب نماید و آن‌ها را به کار گیرد خود را به بالای چرخ‌وفلک رسانده است. چرخ‌وفلکی که سنن خداوند متعال آن را به گردش درمی‌آورد تا هرکسی به اندازه‌ی شایستگی که دارد در چرخش آن خود را صاحب جایگاه نماید. خداوند برای نصر و تمکینی که به مسلمانان وعده داده است قدرت عملی و اجرایی را یک‌باره و یکپارچه به آن‌ها عطا نمی‌نماید، بلکه قبل از هر چیز میدان‌هایی ایجاد می‌شود که امت اسلام بتواند از طریق آن آمادگی نفسی پیدا نماید. آمادگی نفسی قبل از آمادگی اجرایی در محیط و اطراف است؛ پس هر جماعت و حزب و دولتی که می‌خواهد در کاروان نصر و تمکین حضورداشته باشد باید یا در میدان‌های آزمایش نفسی حضور به عمل آورد و یا اینکه شایستگی عبور از آن از سوی خداوند متعال به آن‌ها باشد.

امتی که به نصر و تمکین می‌رسد همان امتی است که خداوند متعال شایستگی حمل امانت و مسئولیت را در آن‌ها قرار داده است و اسباب عملی و اجرایی به آن‌ها عطا می‌شود، و کسانی که در مرحله‌ی آمادگی نفسی قرار دارند شرایط را برای نصر و تمکین امت آماده می‌نمایند. هر دودسته دارای خیروبرکت هستند و تکمیل‌کننده‌ی یکدیگر هستند. اما هرکدام از آن‌ها باید نقش خود را فقط ایفا نمایند، در غیر این صورت نتیجه‌ی مطلوب برای امت اسلام حاصل نمی‌شود.



کسانی که در مرحله‌ی آمادگی نفسی قرار دارند، اگر عجله نمایند و دست به‌سوی اسبابی بکشند که تحمل حمل آن را ندارند امت اسلامی را از نصر و تمکین بی‌بهره می‌نمایند. و کسانی که در مرحله‌ی نهایی قرار دارند اگر تأخیر داشته باشند و اسباب مرحله‌ی خود را به کار نگیرند نتوانسته‌اند کوشش و سعی امت را به نتیجه برسانند. یکی از مهم‌ترین وظایف رهبران و علماء تعیین مرحله برای مسلمانان است. تاکنون بسیاری از رهبران حرکت‌های اسلامی و بسیاری از جماعت‌های اسلامی نتوانسته‌اند فهم و فقه مرحله را به اطرافیان خود تقدیم نمایند.

اصل چهل و نهم: حاکمیت شرع یا حاکمیت متخصصان



چند وقت پیش با یکی از عزیزان که از استادان دانشگاه‌های اسلامی است ملاقاتی داشتم، و با توجه به اینکه خود نیز در جلسات و درس‌های خصوصی از جمله شاگردان وی بوده‌ام سعی نموده‌ام که همیشه آداب عالم و متعلم را رعایت نمایم؛ اما با توجه به اهمیت موضوع مطرح‌شده در جلسه مجبور شدم که برخی مسائل را با ذکر مثال توضیح دهم. سعی نمودم به نحوی قابلیت برخی برنامه‌های استراتژی را بیان نمایم تا بتوانم برای صحبت‌های خود راحت‌تر به هدف نزدیک شوم؛ اما پیش از اینکه حرف‌هایم در این زمینه تمام شود ایشان از بنده طلب نمودند که در برخی امور با یکی از مؤسسات همکاری نمایم.

به ایشان گفتم، شاید این موضوع برای من مناسب نباشد، زیرا با حضور علما و دکترهایی امثال شما ما نباید پا را از گلیم خود فراتر نهمیم؛ اما ایشان پاسخی را مطرح نمودند که معنا و مفهوم آن این‌گونه بوده است:

"شرع خداوند متعال باید در همه‌جا حاکم باشد و حضورداشته باشد، اما به این معنی نیست که نفرات متخصص درزمینه‌ی شرعی در همه‌جا حضورداشته باشند و حکمران باشند."



شاید این کلام در نگاه اول و یا از یک زاویه برای متخصصان شرعی خوشایند نباشد، اما اگر از تمام زوایا به آن بنگریم درجه اهمیت متخصصان شرعی را برای امت اسلامی و سنگینی باری را که بر دوش دارند به تصویر می‌کشاند. آنجا که یک متخصص شرعی سعی می‌نماید خود را به برخی مسئولیت‌ها برساند تا شرع خداوند متعال را حاکم نماید بسیار آسان‌تر است از اینکه بتواند پایه‌های حاکمیت شرع را در یک سرزمین استوار نماید. برای حاکمیت شریعت، حاکم شدن یک متخصص شرعی به تنهایی کافی نیست، بلکه برنامه‌ریزی استراتژی و فرهنگ‌سازی و دعوتی برای امت اسلامی نیاز است به گردش درآید که قابلیت این را داشته باشد تمام مشارکت‌کنندگان حاملان واقعی پروژه و برنامه اسلامی باشند و درراه حاکمیت شریعت خود را قربانی نمایند.

اصل پنجاهم: بالقوه و بالفعل



دنیای کنونی این را به ما فهمانده است که مصدر استفاده از تمامی قدرت‌ها برنامه‌ریزی استراتژی است. جماعت‌ها و یا دولت‌ها حتی اگر دارای قدرت‌های ذاتی مانند اقتصاد و نیروی انسانی و ... نیز باشند، اما برنامه‌ریزی استراتژی نداشته باشند قدرت‌های خود را نمی‌توانند به مرحله عمل برسانند و یا اینکه در صورت استفاده از آن‌ها در زمان بروز حوادث غیرمترقبه نمی‌توانند از آن‌ها به شکل شایسته استفاده نمایند.

اصل پنجاه و یکم: مرجعیت حرکت‌های اسلامی و هندسه تشکیل آینده



برای این‌که یک مسلمان و یا یک حرکت و جماعت اسلامی بتواند رستگاری آخرت را به دست آورد هیچ چاره‌ای ندارد جز اینکه مرجعیت و حاکمیت شرع را انتخاب نماید و از این‌رو است که

اکثر جماعت‌های اسلامی در این زمینه مشترک هستند و سعی می‌نمایند با حمل عقیده اسلامی خود را در قالب شایستگی به مردمان معرفی نمایند؛ اما برای شایستگی این به‌تنهایی کافی نیست، بلکه نظام حیات در حال حرکت است و بندگان را مجبور می‌نماید که در راستای حرکت نیز مرجعیتی برای خود اختیار نمایند. برخی از جماعت‌ها و رهبران هیچ مرجعیتی را در این راستا نمی‌شناسند و برخی مرجعیت‌های حرکتی بزرگان اسلام مانند سید قطب و مودودی و ... را اختیار نموده‌اند. اما برخی دیگر با نگاه دیگری به قضایا نگاه می‌کنند و حرکت جدیدتری را اختیار کرده‌اند و آن‌هم این است که واقعیت‌های روی زمین را مرجع حرکتی خود قرار می‌دهند و دلیلشان این است که دنیای امروز با سرعت در حال تغییر است و کسی نمی‌داند که در یک یا دو سال آینده چه اتفاقی می‌افتد. اما حقیقت امر این است که اسلام میدان دیگری را برای ما ترسیم نموده است، میدانی که در آن نقش غیب و ایمان به آن تصویری از ماوراء را برای ما رقم می‌زند. اسلام بندگان را نهی می‌کند از اینکه ادعای علم غیب را بنمایند، اما در همان حال تصاویری از غیب را به تصویر می‌کشاند و مردمان را به ایمان به آن دعوت می‌نماید. این مرتبه از ایمان، انسان مسلمان و حرکت‌های اسلامی را وارد دایره‌ای می‌کند که انسان را برای دستیابی به عالم غیب گاهی تشویق و گاهی بر حذر می‌دارد. از این‌رو است که مسلمانان همگی در انتظار به وقوع پیوستن غیب‌هایی هستند که اسلام به آن‌ها وعده داده است و برای رسیدن و دیدن این غیب‌ها دست به دعا هستند و برای آن می‌کوشند. در واقع تشکیل آینده و توقع چگونگی تشکیل آن نیاز به غیب‌گویی ندارد، بلکه نیاز به تصویری دارد که انسان مسلمان و یا حرکت‌های اسلامی می‌توانند آن را برای خود ترسیم نمایند و برای رسیدن به آن کوشش نمایند. حال اگر این تشکیل آینده و تصور آن در دایره عقیده اسلامی باشد، آنگاه می‌توان گفت مرجعیت حرکتی اسلامی وجود دارد و اگر در دایره اعتقادات اسلامی نباشد شایستگی مرجعیت برای مسلمانان را نخواهد داشت.



پس مرجعیت حرکتی (حرکت) جماعت‌ها و رهبران اسلامی نباید یک مرجعیت قدیمی باشد، حتی اگر که در زمان خودشان یک مرجعیت شایسته بوده باشند و در همان حال نیز، نباید یک مرجعیت باشد که خود را تسلیم وقایع اطراف بنمایند، بلکه آن مرجعیتی شایسته است که بتواند تشکیل آینده را به تصویر بکشد.

هندسسه تشکیل آینده نیاز به رهبرانی شایسته دارد که هرگاه پای آن‌ها به میدان باز شد معنای این را می‌دهد که خداوند متعال اسباب پیروزی را برای مسلمانان فراهم نموده است.

هندسسه تشکیل آینده همان معنای استراتژی است و برای تشکیل و اداره آن نیاز به رهبران استراتژی وجود دارد.

پس مرجعیت حرکتی جماعت‌ها و رهبران اسلامی باید استراتژی تشکیل آینده باشد، نه تسلیم شدن در مقابل وضع موجود؛ و این همان چیزی است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به اصحاب و یارانش آموخته است و همان چیزی است که سید قطب مخاطبان خود را به آن دعوت می‌نماید.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم وعده فتح قسطنطنیه را می‌دهد، تا امت اسلام و رهبران بیش از ۷ قرن برای رسیدن به آن کوشش نمایند و آن را مرجعیت حرکتی خود قرار دهند؛ اما آن کسانی توانسته‌اند آن را فتح نمایند که برای رسیدن به این تصویر غیبی برنامه‌ریزی و عمل شایسته‌تری انجام داده باشند.

اصل پنجاه و دوم: استفاده از نخبه‌ها در نظام حکم راشد و نظام حکم غیر راشد 

در نظام حکم راشد نخبه‌هایی که قرار است ایده و نظریه ارائه نمایند شرط نیست که از حزب و جماعت خاصی برخیزند، بلکه هدف استفاده از اشخاص و نظریه‌هایی است که مصلحت بزرگ‌تر را در برداشته باشد.



اما در نظام‌های دیگر اختیار نخبه و نظریه‌ها حتماً بر اساس، تدریجی و بر اساس حمایت احزاب و شخصیت‌ها خواهد بود تا اینکه خطر به وجود آمدن معارضه کم شود. در واقع این یک نظام سلطه دموکراسی و غیر راشد است که متأسفانه در صف مسلمانان نیز وارد شده است. اختیار سلمان فارسی و یا نظریه وی درباره‌ی خندق، و یا اختیار صهیب رومی در مجلس شورای تعیین خلیفه برای نظارت و امامت اعضای شورا، نمونه‌های بی‌نظیری هستند که مانند آن‌ها را فقط در نظام‌های راشد می‌توان یافت.

اصل پنجاه و سوم: نتیجه‌گیری اصول ارائه شده

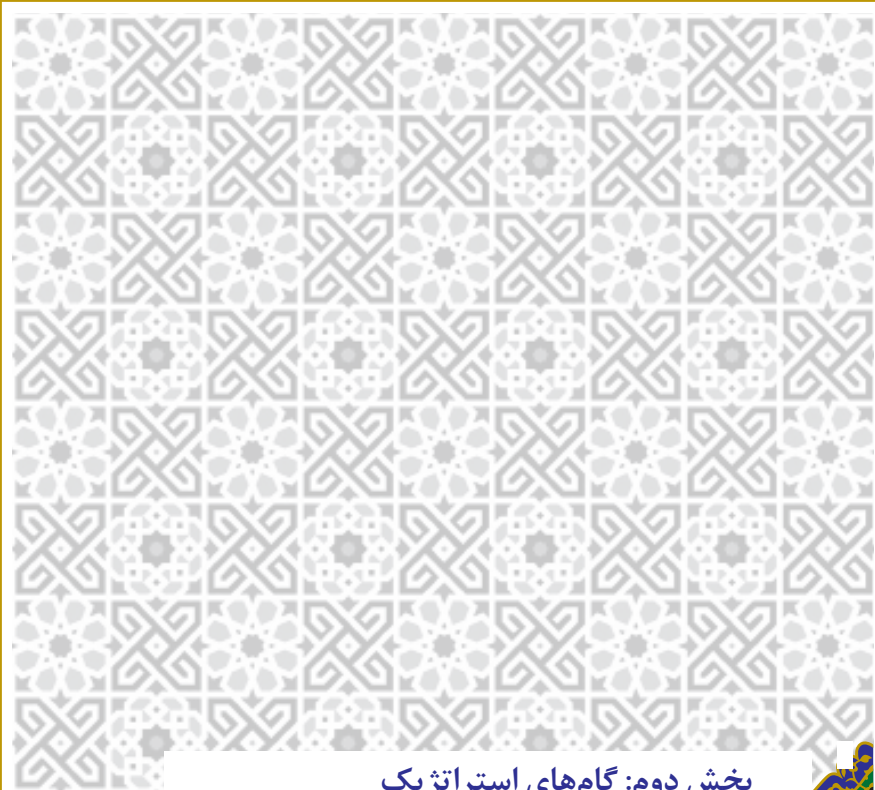


- در خلال ارائه اصول، برخی موارد را بسیار برجسته‌تر مشاهده نموده‌ایم؛ بر این اساس سعی خواهیم نمود در خاتمه‌ی اصول به ذکر برخی از آن‌ها بپردازیم:
- اتفاق تمام اشخاص و جماعات و حرکات‌ها بر ثوابت اسلام و عدم فکر و سعی برای تغییر آن
- عدم دخول به مسائل اختلافی و ترک متغیرات تا زمان رسیدن به زمان و مکان مناسب
- ایجاد فضای علاقات و تعاون ضمن گمان و نظر خوب به طرف مقابل، و جذب طرفداران
- ایجاد برنامه‌های کاری مشترک و سعی در توحید تلاش
- جذب و تکثیر متخصصین، برای تمام قدرتهای موجود در اجتماع امت
- سعی در تشکیل شورا به‌عنوان یکی از قواعد اسلام
- تعلیم و تربیت و تبلیغ در نیروهای انسانی و مخاطبان برای رسیدن به اجتماع و قدرتهای آن
- عدم ورود به نزاع‌های دشمنان و عدم صرف توانایی‌های امت اسلامی برای آن‌ها

- احترام به قواعد دین، و اداره کردن آن‌ها توسط مسلمانان، و اعمال آن‌ها، و فرهنگ‌سازی برای آن

- هیچ مسلمانی وجود ندارد در اجتماع امت اسلامی که تحکیم و اقامه‌ی شریعت را خواستار نباشد (هر چند که در زمان و مکان و تدریج و نحوه‌ی اقامه‌ی آن فرصت اختلاف وجود دارد) پس برای تطبیق احکام شریعت و سر فرود آوردن برای احکام آن از هم اکنون اقدام و فرهنگ‌سازی شود.





بخش دوم: گام‌های استراتژیک



گام اول



زمان متوقف نمی‌شود و جهان هستی نیز از حرکت نمی‌افتد. انسان‌ها و خواسته‌هایشان نیز ثابت و یکنواخت نخواهند ماند بلکه با گذر زمان، اسباب هستی دستخوش تغییرات می‌گردد و انسان‌ها نیز به همین منوال تغییر خواهند نمود و سعی در پیشرفت می‌نمایند.

به هر اندازه انسان‌ها سعی در پیشرفت داشته باشند این یعنی اینکه ضرورت‌ها و حاجت‌ها و رفاهیات (کمالات) موردنظرشان نیز تغییر خواهد نمود. برنامه و سیاستی که باید اداره زندگی مردمان را بر عهده داشته باشد باید قابلیت رهبری برای تمام زمان‌ها و مکان‌ها و نسل‌ها، با ضروریات و حاجت‌ها و رفاهیات مختلف را داشته باشد.

گام دوم



هم‌زمان با وجود آمدن آسانسور (بالابر) ارزش ساختمان‌های بلندمرتبه و دارای طبقات عالی بیشتر شده و مردمان میل و رغبت بیشتری به صعود از آن را دارند؛ اما بدون وجود این نوع از اسباب، حرکت آن‌ها فقط در یک یا دو طبقه خلاصه می‌گردد.

آن چیزی که امروزه نیاز است تا مسلمانان را ترغیب نماید برای صعود به اوج و اقتدار، اسبابی است که شرایط را برای آن‌ها فراهم نماید، در غیر این صورت صعود به اوج، برایشان بیش از یک رؤیا نخواهد بود. مسلمانان چشم‌انتظار مهندسیین و متخصصینی هستند که آسانسور رسیدن به عزت و شوکت را برایشان فراهم نمایند.



گام سوم



حتی بدون وجود استراتژی و برنامه‌ریزی و ترسیم اهداف نیز حرکت جماعت‌ها و دولت‌ها پیش خواهد رفت و متوقف نخواهند شد. اما این حرکت آن‌ها شرط به وجود آمدن رشد و پیشرفت نیست بلکه رشد و پیشرفت در صورت وجود حرکت و فعالیت در دایره و گردش صحیح و با برنامه‌ریزی دقیق به وجود می‌آید. هرچند که حجم فعالیت و حرکت‌های بدون استراتژی از سوی جماعت‌ها و دولت‌ها بیشتر شود، حجم مشکلات و پیچیدگی آن‌ها نیز بیشتر خواهد شد.

گام چهارم



غرق ماندن در تعصب‌های فکری و منهجی فرد را از اینکه تبدیل به یک رهبر استراتژی شود، دور می‌نماید. چراکه فکر و منهج باید مطابق تغییرات و پیشرفت عالم واقع، مورد پیشرفت و تغییر قرار گیرد تا رهبری بتواند برای هر واقعه‌ای مطابق زمان و مکانی که در آن زندگی می‌کند اقدام به ابداع و اختراع راهکارهای جدید بنماید. و این نیاز دارد به اینکه معلوماتی که در اختیار رهبری است به صورت مداوم به‌روزآوری شوند و افکار خود را در این راه آماده‌ی نقد و بررسی نماید.

گام پنجم



راه‌حل نجات حرکت‌های اسلامی فقط در جذب متخصصین قسمت‌های مختلف (متخصص اقتصادی، متخصص سیاسی و ...) نخواهد بود. بلکه بیشتر از این موضوع، نیاز به کسب و پرورده کردن افراد دارای مهارت استراتژی دیده می‌شود.



دولت‌های توسعه‌یافته با وجود تمامی متخصصینی که در مجال‌های مختلف در اختیار دارند، اقدام به تشکیل مؤسسه‌های استراتژی نموده‌اند تا از خلال آن‌ها افراد دارای مهارت استراتژی را به خود جذب نمایند و از مهارت‌های آن‌ها به بالاترین شیوه استفاده نمایند. این شیوه می‌تواند گزینه‌ای برای فعالیت مفتوح حرکت‌های اسلامی و خارج شدن به سوی حقیقت‌ها و توانایی‌های بزرگ‌تر باشد.

گام هشتم



در داخل حرکت‌های اسلامی بسیار شنیده می‌شود که صحبت از ترسیم نقشه‌های استراتژی و یا ترسیم مشروع و برنامه‌ریزی هدفمند به میان می‌آید. اما ترسیم نقشه استراتژی بدون عقلت استراتژی فقط کلام بیهوده است. به‌هیچ‌عنوان امکان ترسیم نقشه و هندسه آینده وجود نخواهد داشت مگر با در اختیار داشتن تعداد زیادی از اشخاصی که دارای فکر و عقل استراتژی باشند و تنسیق (هماهنگی) کامل با متخصصین و همچنین رهبران داشته باشند.

گام هفتم



حرکت‌های اسلامی ادعا می‌کنند که قسم تعلیم و تربیت در برنامه‌هایشان دارای اولویت اول است. اما حقیقت امر این است که آن‌ها از تعلیم و تربیت فقط تعلیم کتاب‌های شرعی را توانسته‌اند در فعالیت خویش جای دهند. هنگامی که سخن از تعلیم و تربیت می‌شود، باید این را دانست که تمام مجال‌های فرهنگی، اجتماعی، ارزش‌ها، اخلاق، بنا نفسی، بنا وجدانی، بنا اسلامی، بنا معرفتی، و مهارت ابداع و اختراع و ابتکار و همگی در بنا تعلیم و تربیت انسان از زمان کودکی تا آخر عمر نقش دارند، و هر کدام از این‌ها هنگامی که دورشان رسید باید نقش ایفا کنند.



و به این شیوه متوجه خواهیم شد که در حرکت‌های اسلامی نیاز به انقلاب تعلیمی وجود دارد، در غیر این صورت هنگامی که سخت از استراتژی می‌نمایند باید متوقف شوند، چراکه هیچ استراتژی بدون نیروی انسانی تربیت‌شده و لایق پیش نخواهد رفت.

گام هشتم



پژوهش‌ها و تجارب نشان داده است که چگونه تصمیمات فردی سبب تهدید و یا از بین بردن آینده‌ی یک دولت و یا حرکت‌ها شده است. پیچیدگی و قوی بودن نزاع‌های استراتژی در دنیای امروز، به میزان خطرات تصمیمات فردی اشاره دارد. تصمیماتی که حاصل فکر و یا هوی و هوس یک شخص باشد خطر بزرگی است که آینده و مصالح هر مجتمعی را تهدید می‌نماید.

بر این اساس قوانین و دستورات موجود در حرکت‌های اسلامی باید به صورت صریح و آشکار رهبران را از هرگونه تصمیم فردی در امور استراتژی بازدارد.

گام نهم



حرکت‌های اسلامی و یا اعضای آن‌ها همیشه دنبال این هستند که اعمال و قدرت‌هایشان خوب باشد، و یا اینکه بسیار خوب (ممتاز) باشد. اما ممتاز بودن به تنهایی کافی نیست.

دنیای امروز، تنوع و ابتکار و پیشرفت و اختراعات جدید می‌خواهد. می‌توان در یک چیز قدیمی ممتاز بود، ولی مردمان زیادی از آن استقبال نکنند، و می‌توان یک چیز جدید را اختراع نمود حتی اگر ممتاز نباشد و دارای ضعف باشد، اما مردم به آن نیاز داشته باشند

گام دهم



مسلمانان به اندازه‌ی کافی صاحب فرهنگ و تمدن هستند، و نیازی به این ندارند که از صفر شروع نمایند و بنا یک مشروع فرهنگی و یا تمدنی را بنمایند؛ بلکه آن چیزی که لازم است، پیدا کردن آخرین مرحله‌هایی است که امت اسلام به آن رسیده است و سپس ادامه‌ی راه.

و حتی در تمدن‌های غیر اسلامی نیز می‌توان از هر ناحیه‌ای که مخالفت شرعی نداشته باشد استفاده شود. در واقع از لحاظ پیشرفت و تمدن، شروع ما از آنجایی خواهد بود که آخرین سرباز به آن رسیده است. استراتژی لازم برای فرهنگ و تمدن اسلامی باید یک استراتژی تراکمی باشد، نه شروعی دوباره.

گام یازدهم



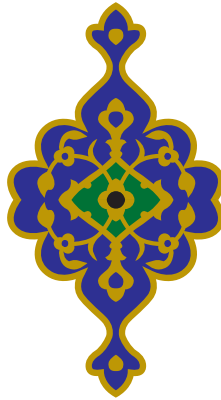
قبل از اینکه اسلام بیاید، فرهنگ مردمان بر اساس جنگ‌ها و یا تغییر سرزمین‌های محل سکونت و یا با تبلیغ پیامبران و یا هم‌نشینی طولانی با اقوام و تمدن‌های مختلف و مواردی از این قبیل تشکیل می‌گردید. اما با آمدن اسلام نقش جدیدی ایجاد گردید. اسلام آمد تا بر اساس مرجعیت کتاب و سنت، فرهنگ جدیدی را برای انسان‌ها تشکیل دهد.

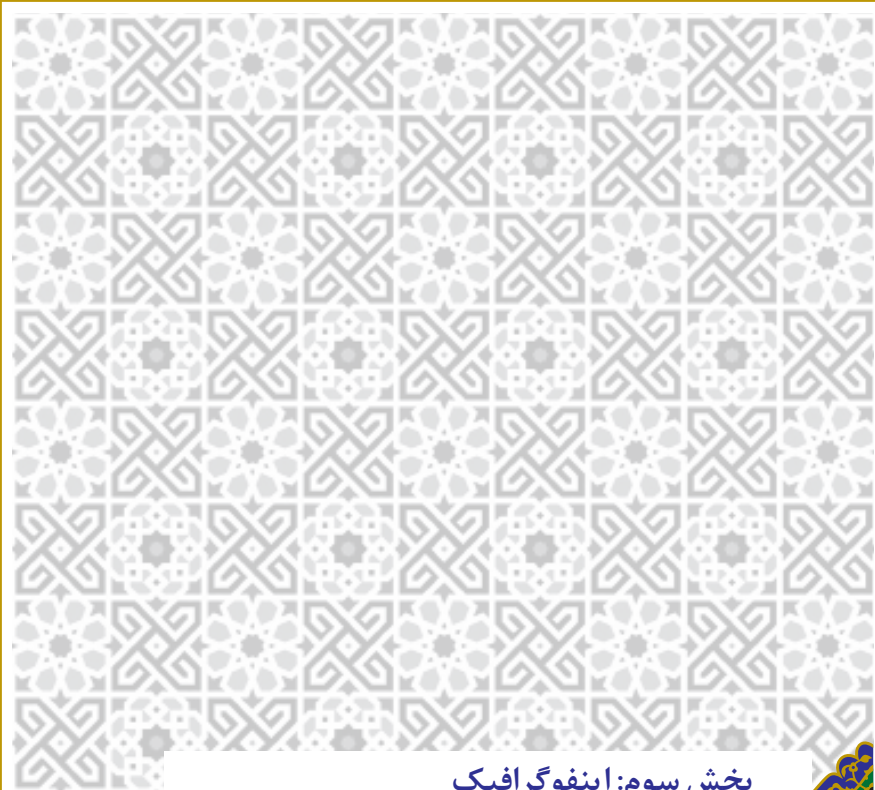
با غیاب مرجعیت اسلامی و با گسترش امکانات در دنیای امروز نیاز است که برای بنا فرهنگ و یا زنده کردن فرهنگ اسلامی، اقدام کننده باشیم و مطابق موازین شرعی نقشه‌هایی را ترسیم نماییم که بتواند در قدرت امت اسلامی مانند یک عنصر فعال و قوی نقش ایفا نماید. همان‌گونه که امت اسلامی نیاز به قدرت عسکری دارد برای محافظت از مرزها، به همان شیوه نیاز به فرهنگ اسلامی وجود دارد برای محافظت از داخل جسم اسلامی و عدم اجازه به نفوذ دشمنان.





بالا بردن هر شخصی بیشتر از مقام و جایگاه واقعی و شایسته برای او، و تصور اینکه او هیچ‌گاه از منهج (راه و روش) و یا اصل خود دچار خطا و اشتباه و انحراف نمی‌شود، گمراهی واضح و آشکار است. و درواقع همین اعتقاد و باور است که سبب می‌شود انسان از حرکت و تحقیق و پژوهش متوقف شود، چراکه خواسته یا ناخواسته تبدیل به تقلیدگر شده است. اما اگر امکان صواب و خطا را برای هر شخصی قائل شود، آنگاه است که خود را از حالت سکون خارج کرده است و با استمرار به دنبال حقایق پیش خواهد رفت. پس می‌توان گفت یکی از معیارهای تسلیم شدن در مقابل سکون و عدم تحرک تسلیم شدن و قانع شدن به عقل اشخاص است.

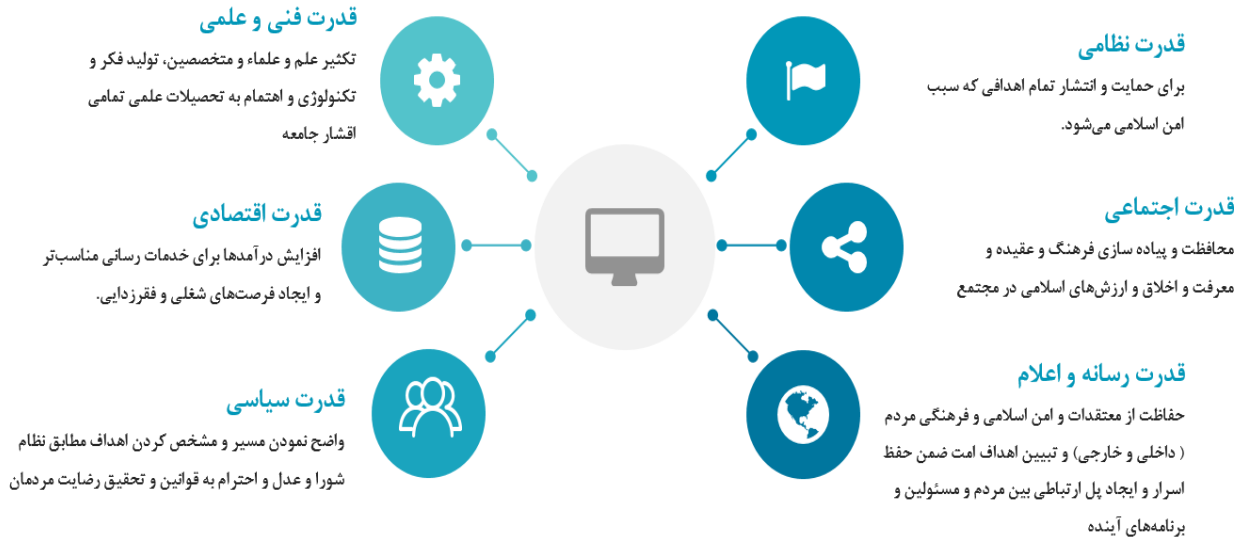




بخش سوم: اینفوگرافیک



اینفوگرافیک ۱: قدرت‌های موجود در اجتماع امت



اینفوگرافیک ۲: معیارهای قدرت نظامی

۴. اهتمام به تولید و تکنولوژی‌های
نظامی

۵. کسب معلومات از دشمنان و
پیشرفت راه‌های وصول به آن

۱. سلامت و وضوح اخلاق و
عقیده‌ی اسلامی در اجرای عمل

۲. توانمندی تخطیط نظامی و
اصول به مراحل استعداد

۳. توانمندی تسلیح و اهتمام
به منظومه اداری



اینفوگرافیک ۳: معیارهای قدرت اجتماعی

اهتمام به ایجاد جامعه‌ی جوان و تربیت نسل آینده



سعی و کوشش ایمانی و عمل صالح و به حرکت کشاندن آن درمجتمع



بالا بردن شعور سیاسی و مشارکت عمومی



اهتمام به تعلیم و تربیت مطابق اخلاق و عقیده و ارزش‌های اسلامی و نشر آن در جامعه



اهتمام به صحت جسم، آب، غذا، مسکن و امنیت مردم



اهتمام به پرورش اسلامی فرد، خانواده و اجتماع



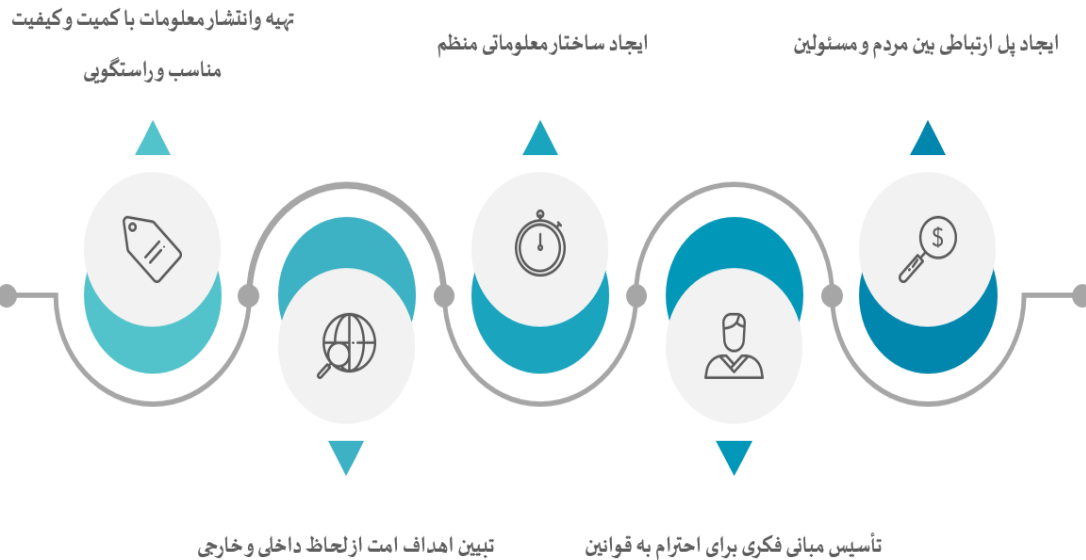
سعی در همکاری با ناحیه خارجی و اعتماد و جذب تعاطف



تعاون و همکاری و احساس مسئولیت در جامعه و ایثار نسبت به اقشار آسیب پذیر



اینفوگرافیک ۴: معیارهای قدرت رسانه



اینفوگرافیک ۵: معیارهای قدرت فنی و علمی



۵

اهمیت دادن به
تخصص و متخصص



۴

حمایت از امن علمی و
فنی و پرورش نسل آینده



۳

حمایت از سواد تحصیلی
تمام اقشار جامعه



۲

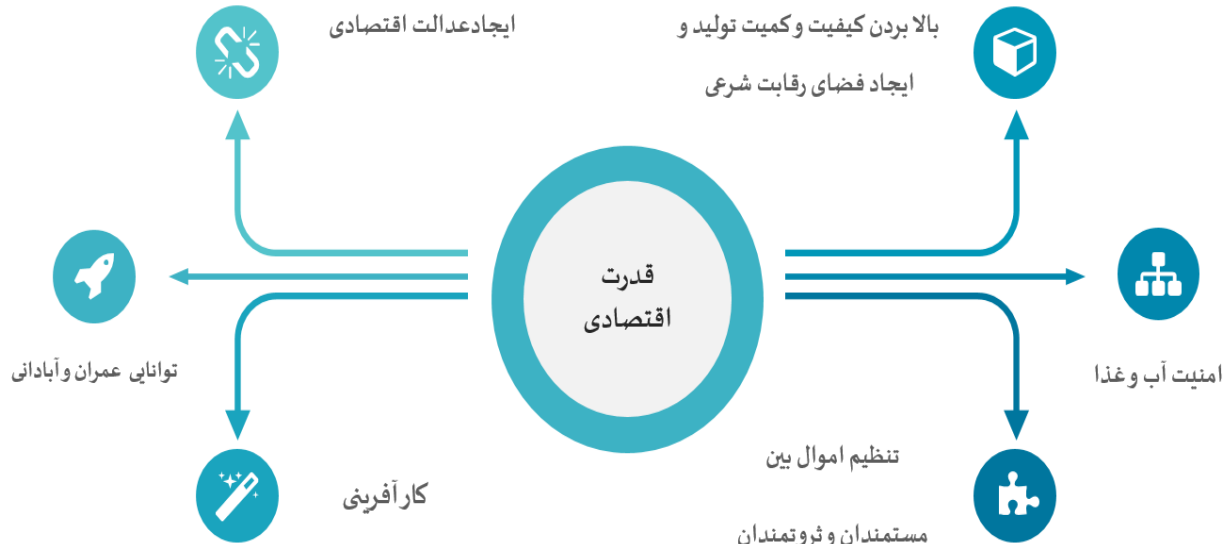
تعامل با قضایای نفس
بشری و امور نوپدید



۱

ایجاد فضای بحث و
تحقیق علمی

اینفوگرافیک ۶: معیارهای قدرت اقتصادی



اینفوگرافیک ۷: معیارهای قدرت سیاسی

واضح کردن مسیر اجتماع و اهداف آن

واگذاری آزادی و حقوق مطابق چارچوب شرع

تربیت نخبگان و رهبران



خدمت رسانی به اجتماع با علم و مهارت و

سعی در جلب رضایت خداوند و مردم

شفافیت، محاسبه و پایبندی به عهد و پیمان

وحدت داخلی امت و اداره با نظام شورا و عدل